

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دوم، شماره‌ی پنجم، پاییز 1389، صص 171-191

مدرسه‌ی اتفاق ایرانیان در تفلیس

- علی‌رضا علی‌صوفی
- نظام علی‌دهنوی

چکیده

در طی حاکمیت مظفرالدین شاه تحولات فرهنگی عمده‌ای در ایران رخ داد که یکی از آن‌ها تأسیس مدارس به سبک نوین بود. در خارج از مرزهای ایران نیز، به تبع تحولات داخلی، مدارس به سبک جدید بنیاد نهاده شد. یکی از این مدارس، مدرسه اتفاق ایرانیان در شهر تفلیس بود. مؤسسان و کار به‌دستان این مدرسه، جمعی از کنسولها و کارگزاران دستگاه دیپلماسی وقت ایران و نیز افراد ترقیخواه ایرانی در تفلیس بودند. سرانجام پس از رایزنیهای گسترده، در سال 1287ش (1908م) مدرسه اتفاق فعالیت خود را آغاز کرد. این مدرسه از ابتدای تأسیس تا تعطیلی آن، با کمبود و مشکلات مالی مواجه بود. در طی انقلابهای منطقه قفقاز، پس از فروپاشی حاکمیت تزارها، این مشکلات تشدید شد. در دوران حکومت جمهوری گرجستان و سپس دولت بلشویکی، آنان تلاش کردند که مدرسه اتفاق را تحت نظارت خویش درآورند، اما اقدامات ایرانیان مقیم تفلیس و کارگزاران کنسولگری ایران در آن شهر تلاش فراوانی در ممانعت از این اقدام آنان به عمل آوردند. دولت شوروی فعالیت مدارس همچون اتفاق را در خاک خود تلاشی

• استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور ar. soufi @yahoo. com

•• دانشجوی دکتری تاریخ و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور اسلام آباد غرب @yahoo. com

nezamdehnavi

تاریخ دریافت: 89/10/19 تاریخ تایید: 90/4/20

در راستای ترویج افکار غیر انقلابی تلقی می‌کرد. سرانجام مدرسه یاد شده به علت فشار دولت بلشویکی و نیز عدم استقبال گسترده ایرانیان مقیم تفلیس، تعطیل گردید.
کلید واژه ها: مدرسه اتفاق ایرانیان، تفلیس، انجمن خیریه ایرانیان، قفقاز، گرجستان.

مقدمه

روند تأسیس مدارس به سبک نوین در ایران، طی حاکمیت مظفرالدین شاه شتاب فزاینده ای یافت. یکی از ویژگیهای این دوره، گسترش چشمگیر احداث مدارس خیریه به سبک جدید توسط تجار و شخصیت های سیاسی و فرهنگی است. تعدادی از کنسولها و کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران در کشورهای بیگانه نیز با کسب مجوز از کار به دستان کشور محل مأموریت خویش و با همکاری تجار و بازرگانان و اتباع مهاجر ایرانی مقیم آن محل، اقدام به تأسیس مدارس به سبک نوین کردند.

تفلیس به عنوان یکی از مراکز فرهنگی مهم در قلب منطقه قفقاز، از اواسط قرن نوزدهم همواره پذیرای تعدادی از مهاجران ایرانی بود. افرادی چون میرزا فتحعلی آخوند زاده، طالبوف و... روزگاری در آن شهر به اقدامات فرهنگی عمده ای دست زدند و عملکرد آنان بر تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران تأثیر گذاشت. از دهه 1260 ش (1880 م) روند مهاجرت ایرانیان به منطقه قفقاز شتاب گرفت و تفلیس به عنوان یکی از مراکز عمده تجمع ایرانیان، پذیرای اقشار مختلف ایرانیان گردید. کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران در مسکو و تفلیس به اتفاق تجار و بازرگانان ایرانی، اقدام به تشکیل انجمن خیریه و تأسیس مدرسه اتفاق کردند.

البته ایرانیان غیر از تفلیس در مناطقی دیگر از قفقاز نیز اقدام به تأسیس مدرسه نمودند. از جمله این مدارس می‌توان از مدرسه اتحاد ایرانیان در باکو؛ مدرسه ترقی در چورنی گورد، واقع در یکی از محله های باکو؛ مدرسه سعادت در بی بی هیبت (نفظالان) واقع در یکی از محله های باکو؛ مدرسه تمدن در صابونچی واقع در یکی از محله های باکو؛ مدرسه وطن ایرانیان در سراب یکی از روستاهای باکو؛ مدرسه مظفری در حاجی طرخان؛ مدرسه احمدیه در گنجه؛ مدرسه نجات در باطوم نام برد.

بررسی ها نشان می‌دهد که در زمینه مدرسه اتفاق ایرانیان در تفلیس منابع بسیار محدود است. برای انجام این پژوهش به بررسی اسناد و مدارک موجود در آرشیو های وزارت امور خارجه، مرکز اسناد ملی ایران، اسناد دانشگاه تهران و آرشو مجلس شورای اسلامی پرداخته شد. غیر از

اسناد آرشو وزارت امور خارجه، اسنادی بسیار اندک در باب مدرسه مذکور در سال های مورد تحقیق از دیگر مراکز آرشوی یافت شد. اما بیشترین اطلاعات و اسناد در باب آن مدرسه از سال های 1304ش تا تعطیلی آن را می توان در مرکز اسناد ملی ایران یافت. بررسی سالنامه احصائیه های موجود در مرکز اسناد دانشگاه تهران نیز نشانگر آن است که آنها از سال مذکور به این مدرسه پرداخته اند.

روزنامه هایی چون حبل المتین، ثریا، تربیت، اختر، ایران، ایران نو، بیرق عدالت، چهره نما و وقایع اتفاقیه و نیز تعدادی از روزنامه های چاپ قفقاز موجود در کتابخانه های ایران چون شیدا و مظهر مورد بررسی قرار گرفت که غیر از حبل المتین، ثریا و وقایع اتفاقیه در دیگر روزنامه های مذکور اطلاعاتی به دست نیامد. حبل المتین، نظام نامه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس را در شماره های متعدد چاپ کرده بود، اما اطلاعات ارزشمندی در باب مدرسه ارائه نداده بود. این مقاله به بررسی توصیفی روند فعالیت مدرسه مذکور از ابتدای تأسیس تا ظهور سلسله پهلوی می پردازد و به تحولات پرفراز و نشیب آن در عصر رضا شاه و چگونگی تعطیلی اش اشاره ای ندارد و آن مهم مجالی دیگر را می طلبد.

نگاهی کلی به وضعیت ایرانیان مهاجر در قفقاز

مهاجرت ایرانیان به دیگر کشورها از نیمه دوم قرن نوزدهم و بخصوص از اوایل قرن بیستم شتاب فزاینده ای یافت. در این زمان، ممالک همجوار ایران همچون هندوستان، عثمانی و جنوب روسیه پذیرای جمع کثیری از ایرانیان بودند که در این میان منطقه قفقاز بیشترین تعداد را در خود جای داده بود.¹

منطقه قفقاز از نیمه دوم قرن نوزدهم به دلایلی چون پیشرفت سریع در صنعت نفت، بهره برداری از معادن مس، گسترش شبکه راه آهن و رونق چشمگیر صنایع نساجی، تولید سیمان، ساختمان سازی و راه سازی به یکی از قطب های اقتصادی و صنعتی روسیه تبدیل شد.²

¹. وطن دوست، غلامرضا، «ساختار قدرت و اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ناصری و مظفری»، پژوهشنامه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره 28، پاییز و زمستان 1379، ص 180

². رئیس نیا، رحیم، عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب، تهران، چاپار، 1357، ص 15

از سال 1252ش (1871م) با حفر نخستین حلقه چاه نفت در باکو، منطقه قفقاز رو به توسعه نهاد و صنایع مختلفی در آن منطقه تأسیس شد.¹ از این رو، رشد سریع صنعت نفت و صنایع دیگر و توسعه و بهره برداری از معادن مختلف در منطقه به نیروی کار متخصص و فاقد تخصص زیادی نیاز داشت که جمعیت منطقه پاسخگوی آن نبود. به عنوان مثال، شمار کارگران شاغل در صنعت نفت باکو در کمتر از 30 سال از 1800 نفر به 26 هزار نفر افزایش پیدا کرد.²

در بندر حاجی طرخان نیز جمع کثیری از اتباع ایرانی در اسکله ها، به حمل و نقل بار در کشتی و بندرگاه مشغول بودند.³ در تفلیس، مرکز گرجستان، تعدادی از ایرانیان در مشاغل مختلف به کار اشتغال داشتند. پس از اتصال بندر پوتی واقع در ساحل دریای سیاه به تفلیس در نیمه دوم دهه 1239ش (1860م) از طریق راه آهن و نیز بهره برداری از خط آهن تفلیس - باکو در سال 1261ش (1882م) این شهر رو به توسعه نهاد.⁴ این امر در توسعه تجارت و نیز افزایش توان کمی و کیفی بخش خدمات و اهمیت بیش از پیش این شهر در ابعاد سیاسی و فرهنگی نقش به سزایی داشت. افزایش توان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تفلیس تأثیر فراوانی در جلب و جذب مهاجران جویای کار ایرانی و یا آنانی که از ظلم و ستم حکام و خفقان سیاسی حاکم بر ایران راهی دیار غربت بودند، ایفا کرد. روزنامه وقایع اتفاقیه به نقل از روزنامه کاوکاز، چاپ تفلیس، شمار «رعایای ایرانی که در سال 1237ش (1858م) در شهر تفلیس اقامت داشته اند» را حدود 5 هزار نفر تخمین زده است.⁵ میرزا محمد حسین فراهانی نیز شمار اتباع ایرانی در سال 1264ش (1885م) در شهر تفلیس و روستاها اطراف آن را بالغ بر 4 هزار نفر آورده است.⁶ ارفع الدوله، ژنرال کنسول وقت ایران در تفلیس، تعداد ایرانیان مقیم تفلیس در سال 1269ش (1890م)

¹. کرزن، ج، ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه ع. وحیدمآزندرانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، 1362. ص 77.

². رئیس نیا، رحیم، پیشین، همان صفحه

³. کاربردای حاجی طرخان، اسناد وزارت امور خارجه، بدون نمره، بدون تاریخ، سال 1316ق، کارت 35، پرونده 6.

⁴. تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، 1380، ص 202.

⁵. روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره 402، 6 ربیع الاول 1275، ص 5.

⁶. فراهانی، میرزا محمد حسین، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، انتشارات فردوسی، 1362، صص 79-80.

را 10 هزار نفر نوشته است.¹ اما اطلاعاتی در خصوص تعداد ایران پس از تاریخ مذکور به دست نیامد.

پیشرفت صنعتی قفقاز جاذبه فراوانی برای ایرانیان بیکار و تهیدست و رنجور از بلایای طبیعی چون قحطی و خشکسالی های متعدد در پی داشت. بدین ترتیب سیل مهاجرت ایرانیان در دوره مورد بحث همواره رو به افزایش می نهاد.

مهاجران ایرانی به تدریج توانستند میزان حضور خود را در مراکز صنعتی، تجاری و کشاورزی قفقاز پررنگ تر نمایند. چنانکه در سال 1272 ش (1893 م) در مجموع 7 هزار نفری که در صنعت نفت باکو به کار اشتغال داشتند 11 درصد آنان را کارگران ایرانی تشکیل می دادند. ده سال بعد، تعداد کارگران مذکور به 23500 نفر رسید که 22/2 درصد آنان ایرانی بودند. در سال 1294 ش (1915 م) به 29/1 درصد یعنی به تعداد 13500 نفر افزایش یافتند و از نظر تعداد، مهاجران ایرانی در صنعت نفت باکو ردیف اول را کسب کردند.²

مدرسه اتفاق ایرانیان از تأسیس تا تشکیل جمهوری گرجستان

شهر تفلیس به عنوان مهمترین مرکز فرهنگی قفقاز در قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم شناخته شده است. این شهر از اواسط قرن نوزدهم به بعد همواره به عنوان یکی از کانون های عمده مهاجرت ایرانیان بخصوص افراد علاقه مند به امور فرهنگی بود. مشیرالملک، سفیر کبیرایران در پترزبورگ،³ در رایزن های متعدد خود با مقامات روسیه از آنان خواست اجازة تشکیل انجمن خیریه و تأسیس یک باب مدرسه به ایرانیان ساکن در تفلیس داده شود. در نتیجه این تلاش ها، مقامات روسیه از جمله کارگزاران اداره معارف محلی در قفقاز به درخواست وی پاسخ مثبت دادند.⁴ همزمان با تلاش های مشیرالملک، مفخم السلطان، ژنرال کنسول ایران در تفلیس نیز کوشش بسیار کرد که ایرانیان مقیم تفلیس را جهت تشکیل انجمن خیریه هماهنگ کند. این دو از

¹ ارفع، میرزا رضا خان، ایران دیروز (خاطرات پرنس ارفع)، تهران، وزات فرهنگ و هنر، 1345، ص 316.

² دهنوی، نظام علی، ایرانیان مهاجر در قفقاز: فعالیت های فرهنگی ایرانیان در سال های 1931 - 1900 م، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص 22.

³ دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات عطاردو فردوس، 1371، ص 17. حبل المتین،

سال 13، شماره 2، دوشنبه 4 رجب 1323، ص 13.

⁴ حبل المتین، سال 11، شماره 27، 23 ربیع الثانی 1322، ص 27.

جمله کارگزاران وزارت امور خارجه ایران بودند که به گسترش فرهنگ ایرانی و زبان فارسی علاقمند بودند. مفخم السلطان پیش از ریاست کنسولی ایران در تفلیس، ژنرال کنسول ایران در کلکته بود و در آنجا نیز اقدام به تشکیل انجمنی از تجار ایرانی نمود و مدرسه ای نیز تحت نام «مظفری» بنیاد نهاد.¹ سرانجام در پی تلاش های آن ها، اداره معارف محلی با تأسیس مدرسه توسط ایرانیان در سال 1284 ش (1905م) موافقت کرد.²

از ابتدای انتخاب اعضای انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس در اواخر آذر 1285 (دسامبر 1906)، چهار نفر از دوازده عضو اداره انجمن به عنوان مأمور رسیدگی به امور مدرسه ایرانیان در تفلیس، انتخاب شدند. هر چند طرح تأسیس مدرسه اتفاق در سال 1284 ش (1905م) ریخته شد، اما این طرح به مدت سه سال صورت عملی نیافت. سرانجام در روز 19 شهریور 1287 (12 سپتامبر 1908) مدرسه اتفاق ایرانیان با مساعدت انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و کوشش مفخم السلطان افتتاح گردید.³ اعضای انجمن خیریه در تأسیس مدرسه و جمع آوری اعانه جهت مخارج آن، نقش مهمی ایفا کردند. دولت ایران نیز سالیانه مبلغ سیصد تومان جهت مخارج مدرسه اتفاق تخصیص داد.⁴

در اولین سال افتتاح مدرسه، تنها کلاس اول ابتدایی گشایش یافت. تا سال 1289 ش (1910م) هر سال یک دوره تحصیلی در مدرسه مذکور گشوده شد که در ابتدای سال تحصیلی 1289 ش (1910م) کلاس های «درجه ابتدایی، درجه تهیو» و کلاس اول تدریس می شد. در ابتدای سال مذکور، کلاس دوم نیز بازگشایی گردید. تعداد دانش آموزان مدرسه اتفاق در سال تحصیلی 90-1289 ش (1911-1910م) در درجه ابتدایی 24 نفر، در تهیو 20 نفر، در کلاس اول 25 نفر و در کلاس دوم 14 نفر بودند.

¹ . از ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، نمره 933، 17 دلو 1303.

² . همانجا، سواد عریضه جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 11، 14 محرم 1343.

³ . همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، بدون نمره، بدون تاریخ.

⁴ . همانجا، مداخل و مخارج انجمن خیریه ایرانیان و مدرسه اتفاق در تفلیس.

دروسی که در سال تحصیلی 90-1289 ش (1911-1910م) در مدرسه اتفاق تدریس می شد عبارت بودند از: شریعت، زبان ترکی، فارسی، روسی، عربی، حساب، جغرافیا، تاریخ، حسن خط، نقاشی.¹

در خصوص نحوه تدریس و میزان مهارت معلمان مدرسه اتفاق تا زمان مذکور، اطلاعاتی در دست نیست. اما برنامه هفتگی مدرسه در سال تحصیلی 90-1289 ش (1911-1910م) دارای نارسایی هایی است که به نظر می رسد اهداف کارگزاران و موسسین مدرسه آنچنان که شایسته بود عملی نگردید. از جمله دلایل مهم تأسیس مدرسه اتفاق، حفظ و تقویت زبان فارسی و مذهب تشیع اثنی عشری در منطقه قفقاز و بخصوص در میان اتباع ایرانی مهاجر در تفلیس بود. اما در برنامه مدرسه در دوره ابتدایی زبان ترکی به جای زبان فارسی تدریس می شد. نکته دیگر آنکه در تمامی کلاس ها، تدریس زبان گرجی آن هم در مرکز گرجستان انجام نگرفت، در صورتی که تدریس زبان ترکی جایگاه بالایی به خود اختصاص داد. شاید یکی از دلایل اهمیت تدریس زبان ترکی، کثرت تعداد اتباع مهاجر ترک زبان ایرانی در تفلیس بود.

تعداد شش نفر معلم، وظیفه تدریس کلیه دروس مدرسه اتفاق را در سال تحصیلی 90-1289 ش (1911-1910م) برعهده داشتند.²

موجب معلمان این مدرسه در سال مذکور بدین ترتیب بود:

معلم زبان فارسی 300 منات، معلم زبان ترکی 273 منات و 32 کپک، معلم زبان روسی 400 منات، معلم حساب و جغرافیا 552 منات و 78 کپک و معلم درجه ابتدایی 240 منات. به منظور تهیه لباس، چکمه و کلاه برای محصلین فقیر و یتیم مبلغ 317 منات و 23 کپک هزینه گردید.

به طور کلی، مخارج مدرسه اتفاق در سال 1289 ش (1910م) مبلغ 3358 منات و 94 کپک بود. این مخارج از طریق پرداخت اعانه توسط ایرانیان مقیم تفلیس و همچنین 300 تومان مساعدت سالیانه دولت ایران به مدرسه اتفاق تأمین گردید.³

در دوران مأموریت سردار همایون، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، رسیدگی به امور مدرسه شتاب بیشتری گرفت و اوضاع آن نظم و ترتیب بهتری یافت. وی با اختصاص اعانه های مکرر به

1. همان

2. همان

3. همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس، بدون نمره، 23 محرم 1328.

انجمن خیریه و مدرسه اتفاق و سرکشی و نظارت منظم و مداوم بر امور مدرسه، در پیشرفت کمی و کیفی آن نقش شایانی ایفا نمود.¹

شواهد و اطلاعات گویای آن است که پس از اتمام مأموریت مدیر الملک در سال 1289 ش (1910م) در تفلیس، نظم و نسق مدرسه اتفاق نیز از هم پاشید. همچنین از این زمان میان اعضای انجمن خیریه، به عنوان تأمین کننده اصلی بار مالی مدرسه، هماهنگی لازم وجود نداشت؛ از این رو، مرجع اصلی گردآوری عایدات مدرسه با مشکل رو به رو شد. با انتخاب مهدی شجاع الدوله به عنوان ژنرال کنسول ایران در تفلیس در سال 1296 ش (1917م) شرایط مدرسه اتفاق تا حدودی بهبود یافت. او در اولین اقدام خود، طبق نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس، در صدد اصلاح انجمن برآمد. با برگزاری انتخابات، اعضای جدیدی مسئولیت انجمن را به دست گرفتند و از این طریق شجاع الدوله توانست به بهبود وضعیت انجمن بپردازد. وی سپس اصلاح امور مدرسه اتفاق را در دستور کار خویش قرار داد و «شاگردهای پراکنده شده» را بار دیگر در مدرسه جمع نمود و با اتخاذ برنامه و اصولی صحیح، تدریس در مدرسه اتفاق، پس از مدتی وقفه، بار دیگر آغاز گردید. شجاع الدوله با برگزاری کنفرانس های متعدد، اجرای تئاتر و غیره، منابع مالی متنابهی جهت ساماندهی امور مدرسه ایجاد کرد. وی در سال 1296 ش (1917م) مبلغ ده هزار منات اعانه به صندوق انجمن خیریه، به منظور بهبود امور مالی مدرسه، پرداخت کرد. در زمان مأموریت شجاع الدوله در تفلیس، در عمارات انجمن خیریه قرائت خانه و کتابخانه ای تأسیس و اغلب روزنامه های چاپ داخل ایران و روزنامه های محلی به طور مستمر و مداوم در اختیار علاقمندان گذاشته می شد و دانش آموزان مدرسه از آن ها بهره می بردند.²

در پی تلاش شجاع الدوله، اوضاع مدرسه در سال 1296 ش (1917م) تا حدودی بهبود یافت اما به اتمام مأموریت وی در تفلیس، در سال 1297 ش (1918م) امور مدرسه پریشان شد. ورود معزالدوله³ به تفلیس به سال 1298 ش (1919م) و مأموریت او در منصب ریاست کنسولی ایران در تفلیس نوید توجه و بازنگری کارگزاران کنسولگری ایران در تفلیس را به امور مدرسه اتفاق به ارمغان آورد. او رسیدگی به اوضاع مدرسه را در دستور کار خود قرار داد و در صدد حل بخشی

1 . پیشین

2 . همان

3 . همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 244، 4 شعبان 1335.

از مشکلات آن برآمد. انجمن خیریه ایرانیان نیز، به علت مشکلات تجار و کسبه ایرانی در پی اغتشاشات و انقلابات روسیه و منطقه قفقاز، توانایی ساماندهی امور مدرسه را نداشت. به هر روی، معزالدوله، اعضای انجمن خیریه ایرانیان و تجار و متنفذین ایرانی در تفلیس را به طور مکرر به کنسولگری دعوت می کرد و اعانه هایی جهت مخارج مدرسه از آنان دریافت می نمود. کمبود معلم در این سال ها یکی از مشکلات عمده مدرسه اتفاق به شمار می رفت. از این رو، معزالدوله تدریس دروس تاریخ ایران و جهان را به علی رضا خان، نایب دوم کنسولگری واگذار کرد و تدریس دروس جغرافیای ایران و جهان را نیز بر عهده میرزا فضل الله خان، نایب سوم کنسولگری گذاشت.¹

میرزا علی مستطاب، که مدت 16 سال مدیر مدرسه در تبریز و قره باغ و مدتی نیز مدیر مدرسه اتحاد ایرانیان در بادکوبه را عهده دار بود، در سال 1298 ش (1919م) ریاست مدرسه اتفاق را به عهده گرفت و در تنظیم و تنسيق امور آب نقش موثری ایفا کرد. وزارت معارف به درخواست ژنرال کنسول ایران در تفلیس، نشان علمی درجه 2 را به وی اعطا کرد و مراتب قدرشناسی آن وزارتخانه به وی ابلاغ گردید.²

یکی از مشکلات مدرسه اتفاق، کمبود کتب درسی دانش آموزان بود. از آنجایی که این کتب در ایران نگارش و چاپ می شد بایستی از طریق ایران در اختیار مدارس ایرانی در قفقاز قرار می گرفت. در سال 1298 ش (1919م) ژنرال کنسول ایران در تفلیس به اشاره مدیر مدرسه اتفاق، از وزارت معارف تقاضای ارسال کتب مورد نیاز جهت تدریس در مدرسه اتفاق نمود.³ اما اختصاص بودجه ای جهت خرید کتاب بایستی توسط هیأت وزیران تصویب می شد. وزارت معارف در پاسخ معارف در پاسخ به این درخواست ژنرال کنسول عنوان کرد که اختصاص بودجه

¹ . همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 1601، 7 جمادی الثانی 1337. همچنین تلگراف ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 825، 25 رمضان 1337.

² . همانجا، وزارت معارف به وزارت امور خارجه، نمره 1424، 4 اسد 1298. از ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 1601، 7 جمادی الثانی 1337.

³ . همانجا، وزارت معارف به وزارت امور خارجه، نمره 1424، 14 اسد 1298.

ای به مبلغ یکصد تومان را به هیأت وزرا تقدیم کرده است و در صورت تصویب آن، از طریق وزارت امور خارجه در اختیار مدرسه اتفاق قرارگیرد.¹

اعضای انجمن خیریه نیز در مراسله ای به معزالدوله، با اشاره به نارسایی های مدرسه اتفاق، اصلاح آن را خارج از «قوه اعضاء» انجمن عنوان کردند. آنان از وی خواستند نظر اولیای دولت ایران را به جانب حقوق دانش آموزان مدرسه اتفاق معطوف نماید. اعضای انجمن یادآور شدند «از عدم استطاعت نقدی، تهیه معلم های کافی و دروس و کتاب غیر ممکن شده زحمات اعضاء جمعیت خیریه و شاگردان مدرسه کلیتا به هدر رفته، مدیر مدرسه هم از اجرای پروگرام [مدرسه] عاجز» است. همچنین از معزالدوله تقاضا کردند که خواسته هایشان را به اطلاع مقامات وزارت معارف ایران رسانیده، «... [تا] معلم های کافی و کتاب های لازم به زودی برسانند... و طوری فرمایند که تأمین مدرسه علی الدوام بوده، در هر موقع، امیدوار باشیم که مخارج و سایر لوازم مدرسه از جانب وزارت معارف در تأمین است...».²

اسناد و مدارکی که نشان دهد وزارت معارف ایران و یا هیأت دولت در این زمینه اقدامی انجام داده بودند تا کنون به دست نیامده است و مسئله ارسال کتاب و اعزام معلم با حقوق وزارت معارف و غیره مسکوت ماند و اقدامی در این زمینه صورت نگرفت.

با تلاش های مستمر و مداوم ژنرال کنسول ایران در تفلیس و اهتمام فراوان میرزا علی مستطاب، مدیر مدرسه اتفاق، نزدیک به دو بیست دانش آموز اغلب به صورت مجانی در سال تحصیلی 1298ش (1919م) مشغول به تحصیل شدند. مخارج مدرسه نیز با دریافت اعانه از راه هایی همچون اخذ «یکی دو منات» از هر تذکره - که در کنسولگری ایران در تفلیس صادر می شد - و اجرای تئاتر توسط انجمن خیریه و کنسولگری ایران و نیز 25 تومان مقرری ماهیانه مدرسه که توسط دولت ایران پرداخت می شد، تأمین می گردید.³

عدم عایدات مشخص، منظم و کافی، مدرسه اتفاق را در سال تحصیلی 1301-1300ش (1921-1922م) در وضعیت دشواری قرار داد. با وجودی که میزان مخارج ماهیانه مدرسه به

¹ . همان

² . همانجا، سواد مراسله جمعیت خیریه ایرانیان، نمره 47، 26 ذیحجه 1337

³ . همانجا، از ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 1601، 7 جمادی الثانی 1337.

حدود سیصد و پنجاه منات می رسید، ولی میزان عایدات بسیار کمتر از مبلغ مذکور بود. این امر موجب گردید استخدام معلمان با تجربه و کاردان در حد نیاز، امری غیر ممکن شود. در نتیجه، تدریس دروس مدرسه اتفاق بخصوص تدریس زبان فارسی، که نیاز به استخدام معلم کافی از ایران داشت، به علت ناتوانی مالی مدرسه، از کیفیت مطلوبی برخوردار نبود. اوضاع نامناسب مدرسه، ژنرال کنسول ایران در کل قفقاز را برآن داشت که در تلگرافی به وزارت امور خارجه، به تشریح مشکلات و نارسایی های مدرسه و مخارج سنگینی که اتباع ایرانی مقیم تفلیس از عهده پرداخت آن عاجز بودند، پردازد. وی از دولت ایران و بخصوص کارگزاران وزارت معارف خواست «... برای اینکه این مدرسه مطابق مدارس ابتدایی مرکز [=تهران] اداره شود، باید یک مدیر و دو معلم از تهران مأمور و اعزام گردند که مقررری و حقوق آن ها مستقیماً از وزارت معارف مرتباً پرداخت گردد...»¹ اما وزارت معارف و دولت ایران توجهی به این خواست های انجمن خیریه و کنسولگری ایران در تفلیس ننمودند و مدرسه اتفاق در سال تحصیلی 1301-1300 ش (1921-1922م) همانند سال های پیشین مورد توجه لازم نظام دیوانسالاری ناکار آمد و فربه ایران قرار نگرفت.

مدرسه اتفاق در سال تحصیلی 1301-1300 ش (1921-1922م) دارای یکصد و بیست دانش آموز و پنج کلاس درس بود. دروس زبان فارسی، ترکی، روسی، عربی، فرانسه، گرجی، شریعت و موزیک تدریس می شد.²

در پاییز سال 1301 ش (1922م) وزارت معارف از دولت خواست، اعتباری برای کمک به مدارس ایرانیان در بین النهرین، آسیای میانه و قفقاز تخصیص دهد. هر چند این اعتبار با گذشت بیش از یک سال مکاتبات اداری، در اواسط سال 1302 ش (1923م) به تصویب مجلس شورای ملی رسید، ولی مدرسه اتفاق را شامل نمی شد.³

¹ . همانجا، از ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 464، 10 اسد 1341.

² . از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به مجلس شورای ملی، سازمان اسناد ملی ایران، نمر 8573، 21 عقرب 1301.

³ . همانجا، از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به هیأت وزرا، بدون نمره، 21 حمل 1302

ژنرال کنسول ایران در تفلیس سعی بسیار داشت که مدرسه اتفاق را حفظ نماید. او در یکی از گزارش های خود به تهران در پاییز 1302 ش (1923م) بر ضرورت پشتیبانی دولت از این نهاد فرهنگی، تاکید فراوان نمود.¹

اما این بار نیز پاسخی از سوی وزارت معارف و دولت ایران دریافت نکرد.

در پی فروپاشی روسیه تزاری و شروع اغتشاشات و انقلابات در روسیه و منطقه قفقاز، اوضاع اقتصادی و مالی اتباع متمدول، تجار و بازرگانان ایرانی رو به وخامت نهاد. در آن شرایط، املاک و اموال بسیاری از تجار و بازرگان و کسبه متمدول ایرانی به نفع دولت شوروی صادره شد که این امر موجب شد بسیاری از آنان قفقاز را به سمت ایران ترک نمایند.² این روند بر کاهش میزان عایدات انجمن خیریه تأثیر چشمگیری داشت؛ زیرا بسیاری از اعضای انجمن از اقدشار مذکور بودند و نیز عمده مخارج مدرسه و انجمن توسط آنها تأمین می شد. در نتیجه با ضعف اقتصادی آنان، به عنوان تأمین کنندگان اصلی مخارج مدرسه اتفاق، توان کمی و کیفی مدرسه به طور محسوسی افول یافت. گزارش علی قلی مشاور الممالک، نماینده سیاسی ایران در کل قفقاز، به وزارت امور خارجه در سال 1302 ش (1923م) تا حدود زیادی اوضاع مدرسه را تشریح می نماید و تأثیر جریان های قفقاز پس از فروپاشی روسیه تزاری بر امور مدرسه را هویدا می سازد. وی پس از ورود به تفلیس در مجلس جشن مدرسه، که تعداد یکصد و بیست دانش آموز در آن مشغول تحصیل بودند، با حضور «معتبرین اتباع» ایرانی و معلمان «مردانه و زنانه»، شرکت کرد. وی در گزارش خود اشاره کرد که «سابقاً لباس اوینفرم ... به [دانش آموزان مدرسه اتفاق] ... داده می شد، ولی در این سنوات انقلاب ... اولیای انجمن خیریه به واسطه عسرت مالی نتوانسته اند تدارک نمایند...»³

مشاورالممالک در گزارش دیگری به وزارت امور خارجه به طور صریح و روشن به مقامات وزارت معارف تذکر داد در صورتی که مساعدتی به مدرسه اتفاق نشود احتمال انحلال آن وجود

¹ . از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، نمره 1581، 24عقرب 1302

² . دهنوی، نظام علی، «قفقاز، انجمن های خیریه ایرانیان در سال های 1900-1931م»، تاریخ روابط خارجی، سال پنجم، شماره 18، بهار 1383، ص 60.

³ . همانجا، از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 385، 23جدی 1302.

دارد. وی یادآور شد «... مدرسه [اتفاق] به واسطه افلاس تجار [ایرانی در] تفلیس به حالت اسفناکی افتاده و اداره کردن آن از قوه مسلمین ایرانی تفلیس به کلی خارج است. در این اواخر حکومت گرجستان در صدد برآمد مدرسه مزبور را به کلی منحل نماید، ولی با واسطه مساعدت سفارت [ایران در مسکو] و اقدام نمایندگی دولت در تفلیس، گرجی ها از این خیال منصرف شدند. ولی تشکیل مدرسه بدون هیچ اعتبار و نداشتن محل معینی پیداست چه حالت خواهد داشت...» به عقیده او «... با اینکه امروزه دولت علیه [ایران] به هزار قسم منافع اقتصادی و سیاسی در گرجستان و در تمام قفقازیه دارد، یک همچون مدرسه [ای] در انتظار خوشایند نیست و از پیشرفت مقاصد دولت خواهد کاست...» مشاور الممالک تاکید کرد که وزارت معارف نیز بایستی «... مساعدتی فرماید و در اعزام یک نفر مدیر و یک معلم زبان فارسی اقدام نمایند تا مدرسه سرو صورتی گیرد و بر اهمیت و عظمت دولت در قفقاز افزوده شود...»¹ وی در این گزارش، به نفوذ فراوان عثمانی در قفقاز و خطر آن برای منافع ایران اشاره می کند و به کارگزاران وزارت معارف گوشزد می نماید در صورت عدم مساعدت دولت ایران در حفظ و گسترش فرهنگ ایران «... دور نیست [که] فوراً دولت عثمانی در صدد برآید.»²

تلاش های مداوم علی قلی خان مشاور الممالک و احتشام همایون، کنسول ایران در تفلیس و جمعیت خیریه ایرانیان مبنی بر مساعدت وزارت معارف به مدرسه اتفاق و اختصاص بودجه ای به آن در طی سال 1302 ش (1923م) به نتیجه نرسید.³ در نهایت، وزارت معارف در تلگرافی به وزارت امور خارجه عنوان کرد که «چون در بودجه هذه السنه وزارت معارف محلی برای مساعدت به مدرسه تفلیس نبود، پیشنهاد تقدیم هیأت محترم دولت شد که تصویب فرمایند ماهیانه اقلأ یکصد و پنجاه تومان از اول میزان هذه السنه به آن مدرسه داده شود، برای سال آتیه ضمن بودجه پیشنهادی، مبلغی برای اعانه به آن مدرسه منظور خواهد شد.»⁴ اما اسناد و مدارک

¹ . همانجا، از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، نمره 4558، 19 شوال 1302.

² . همانجا، از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، نمره 1495، 6 اسد 1302.

³ . همانجا، سواد عریضه جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 11، 14 محرم 1343.

⁴ . همانجا، از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 933، 17 دلو 1303.

گویای آن است که مشکل مزبور در سال آینده نیز همچنان باقی ماند و وزارت معارف از پرداخت وجوه مزکور خودداری کرد.

تعداد شاگردان مدرسه اتفاق تفلیس در سال تحصیلی 3-1302 ش (1923-24م) که به صورت مجانی و غیر مجانی به تحصیل اشتغال داشتند، به یکصد و بیست نفر رسید که از این تعداد بیشتر از دو سوم آن ها به طور مجانی تحصیل می کردند. در سال مذکور تنها از سی نفر از شاگردان مدرسه «حق التعلیم» آن هم به میزان هر کدام ده منات در سال اخذ گردید.

تحصیل در مدرسه اتفاق تا مقطع پنجم ابتدایی مقدور بود. در آن مدرسه دروسی چون زبان های فارسی، ترکی، عربی، روسی، فرانسه، گرجی، قرائت قرآن، قرائت با تجوید و ترجمه، حساب، جغرافیا، علم الاشیاء، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ عمومی، هندسه، حفظ الصحه، تربیت و تعلیم و چکمه دوزی تدریس می گردید. ده نفر معلم نیز تدریس دروس مذکور را بر عهده داشتند که حقوق آن ها به اتفاق خادم مدرسه به 285 منات می رسید.

مبلغ اجاره عمارت مدرسه در سال تحصیلی 3-1302 ش (1923-24م) در حدود 600 منات بود. مبلغ 1600 منات نیز صرف مخارجی از قبیل کتاب، دفتر و سایر لوازم تحصیل شاگردان یتیم، فقیر، هیزم، نفت و روشنایی مدرسه می شد. خرید لوازم چکمه دوزی نیز 50 منات هزینه داشت.¹

اوضاع مدرسه اتفاق در سال 1303 ش (1924م) نسبت به سال های گذشته بیشتر پریشان گردید. وزارت معارف نسبت به تعهدات خویش در قبال ارسال 150 تومان اعانه و پرداخت وجه معینی که در سال 1302 ش (1923م) از آن سخن به میان آورده بود، عمل نمود. انجمن خیریه نیز، به علت ضعف بنیه مالی بیش از پیش ایرانیان مقیم تفلیس و بخصوص تجار ایرانی، از عهده پرداخت مخارج مدرسه به طور کامل ناتوان بود. در خواست های مکرر انجمن خیریه ایرانیان و نماینده سیاسی ایران در کل قفقاز از تهران جهت اعزام یک مدیر و دو معلم زبان فارسی طی چند سال نتیجه ای نداشت. چون بیشتر ایرانیان مهاجر در تفلیس ترک زبان بودند و نیز معلمانی که زبان فارسی تدریس می کردند ترک زبان بودند و توانایی لازم در تدریس آن درس را نداشتند مدرسه اتفاق در انجام یکی از مهمترین وظایفش، یعنی حفظ و گسترش زبان فارسی، تا حدود

¹. همان

زیادی ناتوان ماند. گزارش علی قلی خان مشاور الممالک، نماینده سیاسی ایران در کل قفقاز که خود دیپلماتی فعال و توانمند بود و در عرصه رسیدگی به امور مدرسه اتفاق نیز فعالانه تلاش می کرد، خود گویای این واقعیت است. او در گزارشی به وزارت امور خارجه این واقعیت را نمایان ساخت که در مدرسه اتفاق «... ترویجی از زبان فارسی نشده است. فقط یکی از دروس فارسی که با متعلمین ترکی زبان تدریس می شود و بالاخره اگر اطفال قدری خواندن و نوشتن فارسی را که در مدرسه یاد گرفته اند به واسطه عدم پراتیک [= تمرین] فراموش شده و بلائمر مانده است...»¹

مشاور الممالک از ابتدای ورود به قفقاز، مدرسه اتفاق تفلیس و انجمن خیریه ایرانیان این شهر را از نزدیک تحت نظر داشت و «به دفاتر و محاسبات و عایدات و مخارج» آن ها به دقت رسیدگی می کرد. وی در گزارش خود به وزارت امور خارجه، میزان کسری مخارج مدرسه اتفاق را بالغ بر پنج هزار و پانصد منات دانست و یادآور شد که به منظور ابقای مدرسه «اولا باید در تهران از سفارت [روسیه در تهران] خواهش کرد کار کاروانسرای را که وقف و مخصوص مدرسه و قبرستان ایرانیان است به دولت ایران واگذارند که عایدات آن به مصارف مقرر برساند... ثانیاً رساندن اقلا دو هزار و چهارصد تومان اعانه از وزارت معارف است که کمک خرج مدرسه شده، بودجه مدرسه را اصلاح نماید.»² اما این بار نیز کارگزاران وزارت معارف همچون سال های پیش از زیر بار چنین درخواست هایی شانه خالی کردند.

تعداد شاگردان مدرسه اتفاق ایرانیان در سال 1303 ش (1924م) به 128 نفر رسید که حداقل و حداکثر سن آن ها از 6 تا 15 سال بود. از این تعداد، 80 نفر آنان از اطفال ایرانی ساکن تفلیس و بقیه نیز اهل دیگر مناطق قفقاز بودند. تعداد 76 نفر از دانش آموزان مذکور به واسطه فقر خانواده هایشان به صورت مجانی به تحصیل اشتغال داشتند و تعداد 52 نفر دیگر نیز سالیانه هرشاگرد مبلغ ده منات شهریه پرداخت می کرد.

در برنامه تحصیلی مدرسه اتفاق در سال 1303 ش (1924م) دروسی چون زبان های فرانسه، فارسی، روسی، گرجی، عربی، موزیک، صنعت، کفاشی، علم طبیعت، جغرافیا، هندسه، قرآن، نقاشی، خط، جبر و مقابله، علم اجتماعی، تاریخ، حفظ الصحه، تاریخ مقدس، علم الاشیا، شریعت

¹ . همان

² . همانجا، ترجمه ورقه اجراییه، نمره 332، 11 حمل 1298.

و املا تدریس می شد. طبق نظر مشاور الممالک کیفیت تدریس در مدرسه اتفاق «در درجه پست و پایین» قرار داشت.

در مدرسه اتفاق تعداد 10 نفر معلم و دو نفر خادم و دربان مشغول به کار بودند که سه نفر از معلمان از زنان ایرانی ساکن تفلیس بودند. دو نفر از این زنان یکی به نام فرخ خانم قاجار، نواده بهمن میرزا، معلم فرانسه و روسی و دیگری نسا خانم آتایف، معلم زبان گرجی بودند. روی هم رفته، حقوق هر یک از معلمان مدرسه مذکور ماهیانه به مبلغ 30 منات می رسید.

عایدات و درآمد مدرسه در سال تحصیلی 4-1303 ش (25 - 1924 م) عبارت بود از: شهریه سالیانه شاگردان مبلغ 500 منات و از بابت صدور تذکره در طول سال به صورت تخمینی به مبلغ 400 منات بود. طبق بررسی مشاور الممالک، سالیانه مبلغی در حدود 500 منات «اعانه متفرقه» به مدرسه مذکور پرداخت شده بود. مبلغ 800 منات از عایدات در آن سال بابت اجاره عمارت مدرسه پرداخت گردید.¹

یکی از مسائلی که کنسولگری ایران در تفلیس، انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و مدیر مدرسه اتفاق در سال 4-1303 ش (25-1924 م) همواره با آن رو به رو بودند مسئله یک کاروانسرا و یازده مغازه ای بود که توسط دولت بلشویکی تصرف شده بود. کاروانسرا و مغازه ها توسط شرکت اسلامیہ چای جهت مخارج مدرسه اتفاق وقف آن مدرسه بود. کارگزاران کنسولگری ایران و انجمن خیریه و مدیر مدرسه مدعی بودند که اسناد و مدارکی در دست دارند که امکان مذکور در سال 1296 ش (1917 م) به مدرسه اتفاق وقف گردیده است. ایرانیان مدعی بودند که شرکت اسلامیہ چای املاک مذکور را در پایان سال 1296 ش (1917 م) و اواخر 1296 ش (ابتدای 1918 م) خریداری کرده، آن را به مدرسه اتفاق وقف نموده است و دولت بلشویکی حق تصرف آن را ندارد. ژنرال کنسول ایران در کل قفقاز نیز در تلگرافی به وزارت امور خارجه آورده است که املاک مذکور توسط شرکت اسلامیہ چای به مبلغ 150 منات خریداری شده است و «عایدات آن را که تا سالی 3000 منات طلا می شود، مخصوص و وقف مدرسه اتفاق و سایر مخارج خیریه نموده...»² است.

¹ . همانجا، از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 933، 17 دلو 1303.

² . همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 28، 14 دلو 1303.

در سالهای 1296 ش (1917 م) و 1296 ش (1918 م) منطقه قفقاز از ثبات خاصی برخوردار نبود و اسناد و شواهد گویای آن است که در این سال ها تعداد کثیری از تجار و بازرگانان و ایرانیان متمول در تفلیس اموال و املاک خود را از دست دادند. به نظر می رسد شرکت اسلامیه چای پیش از انقلاب اکتبر 1917 املاک مذکور را خریداری کرده بود، اما با شروع تحولات در منطقه قفقاز با تسلط بلشویک ها بر آن منطقه، مدیران شرکت اسلامیه چای با مطرح نمودن مسئله وقف املاک مذکور به مدرسه اتفاق در صدد ممانعت از دست اندازی دولت بلشویکی بر آن املاک شدند. بنابراین خلاصه وضعیت مدرسه ی اتفاق ایرانیان در تفلیس را بر پایه ی یافته های موجود، به شرح ذیل می توان مشاهده نمود:

جدول توصیف وضعیت مدرسه اتفاق بر اساس اسناد موجود

سال	تعداد دانش آموز	تعداد معلم	مخارج	تعداد عناوین دروس
1328-29	83	6	3358	10
1329-40	120	؟	؟	8
1302-3	120	؟	؟	18
1303-4	128	10	600	22

علامت ؟ بدین معنی است که در اسناد موجود اطلاعاتی در این زمینه بدست نیامد.
 نتایج جدول فوق نشان می دهد که مدرسه اتفاق در سال 1328-29 هجری قمری 83 نفر دانش آموز داشته که تدریس آنها را 6 معلم بر عهده داشته اند هزینه های این مدرسه در سال مذکور 3358 منات بوده و 10 عنوان درس تدریس می شده است این عناوین عبارتند از: شریعت، زبان ترکی، فارسی، روسی، عربی، حساب، جغرافیا، تاریخ، حسن خط و نقاشی.
 همچنین مدرسه اتفاق در سال 1339-40 هجری قمری 120 نفر دانش آموز داشته است . که تعداد معلمین و هزینه های مدرسه مشخص نیست. اما در این سال 8 عنوان درس به ترتیب زیر تدریس می شده است: زبان فارسی، ترکی، روسی، عربی، فرانسه، گرجی، شریعت، موزیک.

در ضمن نتایج بیانگر آن است که در سال 3-1302 هجری شمسی مدرسه مذکور 120 دانش آموز داشته است اما تعداد معلمان و هزینه آن مدرسه مشخص نیست. در این سال 18 عنوان درس به شرح ذیل تدریس می شده است: زبان فارسی، ترکی، روسی، عربی، فرانسه، گرجی، قرائت قرآن، قرائت با تجوید و ترجمه، حساب، جغرافیا، علم الاشیاء، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ عمومی، هندسه، حفظ الصحه، علم تربیت و تعلیم، چکمه دوزی. نهایتاً نتایج بیانگر آن است که در سال 4-1303 هجری شمسی در مدرسه اتفاق 128 دانش آموز مشغول تحصیل بوده که برای آموزش آنها از 10 معلم استفاده می شده است. هزینه های مدرسه در این سال 600 منات بوده و در این سال 22 عنوان درس به شرح ذیل تدریس می شده است: زبان فارسی، روسی، عربی، فرانسه، گرجی، موزیک، صنعت، کفاشی، علم طبیعت، جغرافیا، هندسه، قرآن، نقاشی، خط، جبر و مقابله، علم اجتماعی، تاریخ، حفظ الصحه، تاریخ مقدس، علم الاشیاء، شریعت و املاء.

نتیجه

مدرسه اتفاق یکی از مهم ترین و قدیمی ترین مدارس ایرانیان در خاک روسیه به شمار می رفت. موسسان مدرسه مذکور به دو دسته تقسیم می شدند: یکی مأموران ترقی خواه ایرانی در خاک روسیه و دیگر اتباع متمول ایرانی مقیم تفلیس از جمله تجار، بازرگانان و کسبه.

گروه اول تحت تأثیر تغییرات درونی ایران در امر مدرسه سازی و نیز تحولاتی که در عرصه فرهنگی در ممالک جهان و بخصوص ممالک همجوار ایران، همچون دولت های هندوستان، عثمانی و روسیه رخ داده بود، قرار گرفتند. گروه دوم نیز با ارتباطاتی که با مناطق مختلف جهان داشتند، پیشرفت های دولت های بزرگ و قدرتمند را از نزدیک مشاهده کرده، اهمیت و تأثیر نهادهای فرهنگی و گسترش آموزش به سبک و شیوه نوین را درک کرده بودند.

گرچه تأسیس مدرسه اتفاق با تأیید دولت روسیه انجام یافت اما مقامات روس نسبت به حضور ایرانیان در خاک آن کشور علاقمند نبودند. گسترش روابط اقتصادی و سیاسی ایران و روس در واپسین دهه های حاکمیت تزارها، در افزایش و بهبود توان اقتصادی و مالی ایرانیان در منطقه قفقاز و به طبع در تفلیس تأثیر فراوان داشت. افزایش توان مالی ایرانیان در آن منطقه باعث شد که آنان بخش اعظم مخارج مدرسه اتفاق را تأمین نمایند. با شروع آشوب ها و انقلابات در

منطقه قفقاز و تنزل توان مالی ایرانیان، مدرسه اتفاق با مشکلات عدیده ای رو به رو شد. در عصر حاکمیت جمهوری گرجستان و سپس تسلط دولت بلشویکی، آنان تلاش کردند که مدرسه اتفاق را تحت نظارت خویش درآوردند، اما ایرانیان مقیم تفلیس و کارگزاران کنسولگری ایران در آن شهر تلاش فراوانی در ممانعت از این اقدام آنان به عمل آوردند. دولت بلشویکی فعالیت مدارس چون اتفاق ایرانیان را در خاک خود تلاش در راستای مقابله با ایده های کمونیستی و نیز همگامی با منافع امپریالیسم تلقی می کرد. نحوه تدریس و نیز برنامه درسی مدرسه اتفاق نیز همگامی و هماهنگی چندانی با مدارس شوروی نداشت و بخش زیادی از دروس به امور دینی و ملی ایرانیان اختصاص داشت، چیزی که اهداف و مرام دولت شوروی با آن منافات داشت.

فهرست منابع و مراجع

کتابها

1. ارفع، میرزا رضا خان، ایران دیروز (خاطرات پرنس ارفع)، تهران، وزات فرهنگ و هنر، 1345.
2. تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، 1380.
3. دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات عطاردو فردوس، 1371.
4. دهنوی، نظام علی، ایرانیان مهاجر در قفقاز: فعالیت های فرهنگی ایرانیان در سال های 1900 - 1931 م، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
5. _____، «قفقاز، انجمن های خیریه ایرانیان در سال های 1900-1931م»، تاریخ روابط خارجی، سال پنجم، شماره 18، بهار 1383.
6. رئیس نیا، رحیم، عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب، تهران، چاپار، 1357، ص 15.
7. فراهانی، میرزا محمد حسین، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، انتشارات فردوسی، 1362.

8. کرزن، ج، ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غ. وحیدمازندرانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1362.
9. وطن دوست، غلامرضا، «ساختار قدرت و اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ناصری و مظفّری»، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره 28، پاییز و زمستان 1379.

روزنامه‌ها

1. روزنامه حبل المتین، سال 11، شماره 27، 23 ربیع الثانی 1322
2. روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره 402، 6 ربیع الاول 1275.

اسناد

1. آرشیو وزارت امور خارجه ج.ا. ایران:
- مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، نمره 933، 17 دلو 1303.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، بدون نمره، بدون تاریخ.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس، بدون نمره، 23 محرم 1328.
 - سواد عریضه جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 11، 14 محرم 1343.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 244، 4 شعبان 1335.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 1601، 7 جمادی الثانی 1337. همچنین تلگراف ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 825، 25 رمضان 1337.
 - وزارت معارف به وزارت امور خارجه، نمره 1424، 4 اسد 1298.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 1601، 7 جمادی الثانی 1337.
 - وزارت معارف به وزارت امور خارجه، نمره 1424، 14 اسد 1298.

- سواد مراسله جمعیت خیریه ایرانیان، نمره 47، 26 ذیحجه 1337.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 464، 10 اسد 1341.
 - نامه از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به هیأت وزرا، بدون نمره، 21 حمل 1302.
 - مکتوب از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، نمره 1581، 24 عقرب 1302.
 - مکتوب از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 385، 23 جدی 1302.
 - نامه از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، نمره 4558، 19 شوال 1302.
 - نامه از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، نمره 1495، 6 اسد 1302.
 - سواد عریضة جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره 11، 14 محرم 1343.
 - مکتوب از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 933، 17 دلو 1303.
 - ترجمه ورقه اجراییه، نمره 332، 11 حمل 1298.
 - مکتوب از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 933، 17 دلو 1303.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره 28، 14 دلو 1303.
2. آرشیو سازمان اسناد ملی ایران:
- مکتوب از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به مجلس شورای ملی، سازمان اسناد ملی ایران، نمره 8573، 21 عقرب 1301.

پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی